

شما چند مادر هستید؟!

کلاف سردرگم کتاب‌های تربیتی، مادرانگی را آموزش نمی‌دهند

شما که یک فرزند دارید یا ۲ تا یا ۴ تا، چند مادر هستید؟ نمی‌پرسم مادر چند فرزند هستید. می‌پرسم: چند مادر هستید؟ در بعضی کارها مادر چند فرزند هستیم مثل غذا پختن، چای ریختن، میوه قاچ کردن، خرید لباس و لوازم مدرسه و... هر تعداد فرزند داشته باشیم، در امور روزانه جسمانی هیچ فرقی نمی‌کند. سبک و سنگین داریم اما مادر چند فرزند هستیم. به طور مشترک برایشان مادری می‌کنیم، البته اگر مادری کردن را سرو سامان دادن همه کارها بدانیم.

در بعضی امور فرزندان، قضیه خیلی فرق می‌کند، آن هم اموری است که به تربیت روح و روان ربط داشته باشند. دقیق‌تر بگویم، در امور پرورش جسم و تن، ما مادر چند فرزند هستیم اما در امور شخصیت و تربیت، بانویی که ۳ فرزند دارد، باید ۳ نوع مادری کند: یک مادر سه‌ساله، یک مادر هفت‌ساله و یک مادر پانزده‌ساله باید در یک لحظه هم برای سه‌ساله‌اش مادر باشد، هم برای هفت‌ساله‌اش و هم برای پانزده‌ساله‌اش. مشابه اینکه حجم شام و ناهار هر کدام فرق دارد، حجم روح و روانشان نیز فرق دارد. بیش از آنکه به خواسته‌های این ۳ فرزند بپردازد، باید به مهارت‌ها و توانشان فکر کند. باید مهارت‌ها و توانشان را متناسب با جنس و شخصیتشان بداند و بنا به آن رفتار کند. اینجاست که مادری کردن سخت می‌شود. اگر مشغول روزمرگی شود، از این قسمت مهم بازمی‌ماند.

اکنون تصور کنید مادری که غرق در مسائل روزمره شده است: صبح را شب کردن با وظایف تکراری و خسته‌کننده، مثل یک وسیله مکانیکی بشوید و بپزد و پذیرایی کند و تمیز کند محبت کند و عبادت کند و برود و بخرد و بپایند. نمی‌خواهم خودمان را بترسانم اما این‌ها از یک پرستار هم برمی‌آید. پس کجا هستیم؟ من مادر کجا هستیم؟ مادر آنجایی مادری می‌کند که فرزندش را رشد می‌دهد، پله پله فکر فرزندش را شکوفا می‌کند، عقل او را بالا و بالاتر می‌برد. وقتی از مادر یک پسر سه‌ساله می‌خواهی خصوصیات فرزندش را بنویسد، جواب‌هایی را باید بنویسد که با جواب‌های یک مادر دیگر فرق داشته باشد. دنیای یک پسر سه‌ساله با یک پسر سه‌ساله دیگر بی‌شک تفاوت دارد. مادری که دختری ده‌ساله دارد، باید حتماً بداند دختر ده‌ساله در دوره هفت‌ساله رشد است و باید در پایان ۷ سال، یعنی چهارده‌سالگی، توانمندی‌هایش چه باشد. اگر نداند، جز امور معمولی و همیشگی را پیش نخواهد برد. ۷ سال اول، ۷ سال دوم و ۷ سال سوم: از اولی پادشاهی‌اش را می‌دانی و از دومی غلامی‌اش را و از سومی وزارتش

را. اما الزامات هر دوره چیست؟ کتاب‌های تربیتی‌ای که می‌بینیم و می‌خوانیم از این الزامات خالی‌اند. از چه هست و چه باید بشود خالی‌اند. کار مادر اینجاست که بتواند چند مادر باشد، همان‌طور که در عین حال ده‌ها کار خانه را رتق و فتق می‌کند و به آن‌ها فکر می‌کند و اجرا می‌کند، باید به دهه رشد و کمال فکر کند و عمل کند و پیش برود. مادری تعطیل‌بردار نیست. شاید کارهای منزل در ساعتی کم شود، اما مادری کردن یک ثانیه هم تعطیل نمی‌شود. مادری به به روزرسانی نیاز دارد، مثل طعم غذاهایی که تکرار می‌شوند و به دنبال طعم‌های جدید، اینترنت را می‌گردیم برای طعم‌های تازه. مادری کردن را هم باید واکاوی و اصول جدید را پیدا کنیم. گاهی از هدف تربیت فرزندان دور می‌شویم و بچه‌ها را در آموزش‌های گوناگون غرق می‌کنیم. این آموزش‌ها هرچه باشند تربیت نیستند. حافظه‌پروری‌های بی‌کاربرد هستند که اغلب برای حفظ پرستش خانواده

انجام می‌شود، نه نیاز فرزند. برای تربیت نسل‌ها به همین کارها بسنده شده است. نهایت تغییر تربیتی یک نسل عوض شدن رنگ و لعاب‌ها یا ابزارها و اسباب‌بازی‌هاست. من به‌شخصه از این حجم کتاب‌های تربیتی بی‌دروپیکر خسته شده‌ام، کتاب‌هایی که برای هر مورد رفتاری باید به آن‌ها مراجعه کرد مثل فرهنگ لغت. بعد، تا گرفتاری دیگر، آن‌ها حس نمی‌شوند، کتاب‌هایی که مثل قرص در لحظه درد هستند و وقتی درد ساکت شد، کارایی ندارند. به دنبال راه و روشی اصولی هستیم که بتوانم و پایه‌ای همه امور را بچینم، از عمق ضمیر فرزندان، خشت به خشت بالا بروم، نه کوتاه. می‌خواهم ماهیگیری یاد بگیرم، نه با ماهی‌های تقویمی دیگران روزم را به شب برسانم. شیوه‌ای جدید و دقیق نیاز دارم، شیوه‌ای که از فطرت سرچشمه بگیرد و برای فرزندانم رشد و کمال به همراه بیاورد، رشدی که همه دنیا می‌خواهد انسان را به آن برساند اما گویی هنوز هم نتوانسته است.



عکس: مهدیه غفوریان



مریم
قربانزاده
نویسنده

خورشید

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰ دی ۲۰
۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۷۶

(۳)